



## تحلیل تربیتی احکام فقهی مراتب امر به معروف و نهی از منکر

عاقله رضایی\*

### چکیده

قرآن اولین وظیفه انبیا را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند؛ «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (اعراف: ۳۶)؛ امر به یکتا پرستی بزرگ‌ترین معروف‌هاست و نهی از اطاعت طاغوت‌ها بزرگ‌ترین منکرهاست. امر به معروف و نهی از منکر از والاترین واجبات و اصول عملی اسلام است. حکمت نهفته در این دو فریضه، مدنی الطبع بودن انسان است، زیرا انسان‌ها روی همدیگر تأثیر می‌گذارند و از دلایل افزایش گناه عوامل محیطی و بی‌تفاوتی مردم نسبت به گناه در جامعه است از سوی برای تقید افراد به احکام باید حکمت و فلسفه آنرا بیان نمود و عهده دار این امر فقه تربیتی است. تحلیل تربیتی احکام فقهی از جمله موضوعات مهم تعلیم و تربیت اسلامی است که از علم فقه و تعلیم و تربیت بهره می‌گیرد. این مقاله با روش توصیفی و تحلیل کیفی به شیوه ای کتابخانه ای در صدد پاسخ به این سوال است که تحلیل تربیتی احکام فقهی مراتب امر و به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در وجوب امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن اهداف، اصول و آثار تربیتی نهفته است.

کلیدواژه‌ها: فقه، امر به معروف، نهی از منکر، مراتب، اصول تربیتی.

\* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی (گرایش کلام)، جامعه المصطفی العالمیه/



## مقدمه

اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است دیگر کسی نمی‌گوید که فضولی است بلکه همکاری کردن است، نظارت عمومی و کمک به شیوع خیر و محدود کردن شر است. کمک به این است که گناه همیشه گناه تلقی شود. (خادمی و محمودخانی، ۱۳۹۴: ۲۹) امر به معروف و نهی از منکر که از اصلی از اصول عملی اسلام است و از جمله واجبات کفایی است در صورتی که بعضی از مکلفین به آن قیام کنند از دیگران ساقط است، و اگر اقامه معروف و جلوگیری از منکر موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد واجب است اجتماع کنند. (توضیح المسائل دوازده مرجع، م ۲۷۸۷)

در اهمیت این واجب همین بس که قرآن کریم آن را در کنار ایمان به خدا و روز قیامت ذکر کرده است. در آیه دیگر امتیاز امت اسلامی بر سایر امت‌ها را برپا داشتن این فریضه دانسته است. (آل عمران: ۱۱۰ و ۱۱۴)

امام صادق علیه السلام در حدیثی در مورد ابعاد تربیتی این واجب می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر، طریقه پیغمبران و شیوه نیکان است. فریضه عظیمه‌ای است که سایر فرایض به واسطه آن برپا داشته می‌شود و به آن، راه‌ها امن می‌گردد و مکاسب حلال می‌شود و مظلومه‌ها به صاحبانش رد می‌شود و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان دین انتقام گرفته می‌شود... (عاملی، بی‌تا: ۱۶ / ۱۱۹؛ نراقی، ۱۳۹۴:

(۴۹۱)

از سوی انسان تنها موجودی است که نیاز به تربیت و رسیدن به کمال دارد و امر به معروف و نهی از منکر برای نظم، جلوگیری از فساد، امنیت و تربیت جامعه است که حاصل آن

احساس مسئولیت افراد نسبت به یکدیگر در جهت رشد انسان است و از مهم‌ترین گزینه برای رسیدن به این اهداف است.

تحلیل امر عقلانی است و تحلیل تربیتی احکام فقهی مسئله جدیدی است که عبارت از تحلیل تربیتی احکام فقهی کوششی عقلانی متکی بر واقعیات برگرفته از قرآن، سنت، عقل و تجربه به منظور بررسی علل، اسرار و حکمت‌های احکام و نیز ارائه آثار و نتایج تشعریع و التزام عملی به احکام فقهی با رویکرد تربیتی است. در این زمینه کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است که اکثراً از بُعد فقهی بررسی شده است و تا کنون به طور مستقل از منظر فقه تربیتی تحلیل نشده است. دلیل اهمیت این مسئله آن است که از علل افزایش گناه امر و نهی نکردن و بی‌تفاوتی مردم در قبال هم‌نوعان و جامعه است و بین گناه و امر به معروف و نهی از منکر ارتباط مستقیم وجود دارد، حتی در صورت ترک این واجب، جای معروف و منکر نیز عوض خواهد شد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱.۱. تحلیل

بررسی کردن جزئیات یک موضوع برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر یا یقین میزان درستی یا نقد آن. (انوری، ۱۳۹۰: ۳/۱۶۴۱)

### ۱.۲. ترویج

مصدر باب تفعیل از ریشه «ربب» یا «ربو» است؛ ریشه اول به معانی حضانت، تدبیر، سرپرستی، تأدیب، خوب رسیدگی کردن به کار رفته است. ریشه دوم در معانی مانند زیاد شدن، تغذیه نمودن، بالا رفتن، رشد و نمو نمودن و تهذیب نمودن، به کار رفته است. در



زبان فارسی، واژه «تربیت» به معانی «پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن» به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۴۵: ۱۴/۵۹ و ۶۰)

### ۱.۳.۱. امر

در لغت به معنای زجر است. (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱/۱۰۲) امر یعنی از موضع برتر خواستن از کسی که کاری را انجام بدهد. (انوری، ۱۳۹۰: ۱/۵۶۳)

معروف به معنای مشهور، شناخته شده و خلاف منکر به کاری اطلاق می‌شود که که با عقل و شریعت «نیکو» شناخته شود. (دهخدا، ۱۳۴۵: ۴۰/۷۱۹)

«نهی الزجر عن الشی». (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳/۱۸۵) نهی بازداشتن کسی از انجام کاری است و در فقه بازداشتن دیگران از امور ممنوع شرعی است. (انوری، پیشین: ۸/۸۰۶۲)

منکر هر عمل یا رفتار زشت، ناپسند و ناویرا مقابل معروف است. (همان: ۷/۷۴۳۳)

### ۱.۴.۱. فقه

فقه در لغت به معانی، مطلق علم و آگاهی (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳/۳۷)، فهم همراه با دقت و تأمل (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹/۱۲۳)، فطانت و تیزفهمی (ابن منظور، بی تا: ۱۰/۳۰۴ و ۳۰۶) به کار رفته است. در اصطلاح به معانی شناخت معارف دینی (اعم از عقاید، اخلاق و احکام) و شناخت احکام به کار رفته است. (مطهری، ۱۳۶۹: ۶۶) مشهور علمای فقه آن را چنین تعریف کرده‌اند: «هو العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفصیلیه». (صدر، ۱۴۱۹:

## ۲. ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر

### ۲.۱. ادله عام

#### ۲.۱.۱. حکم عقل

نخستین دلیل عام بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر عمومی، حکم عقل است. با چشم‌پوشی از هر دلیل لفظی، عقل به وجوب امر به معروف و نهی از منکر حکم می‌کند. براساس قاعده ملازمه، این حکم عقلی به حکم شرعی تبدیل می‌شود. احکامی که در فقه با عقل مستقل به منزله صغری و ملازمه عقل و شرع به منزله کبری، ثابت می‌شوند، همگی احکام شرعی هستند. وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر نیز از همین قسم احکام شرعی است. در ذیل به نمونه آن اشاره می‌شود. (اعرافی، ۱۳۹۹: ۸۴)

#### ۲.۱.۲. قاعده لطف

یکی از دلایل عقلی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر عمومی، «قاعده لطف» است. در برخی منابع فقهی و متون کلامی، تمسک به قاعده لطف برای اثبات وجوب امر به معروف و نهی از منکر به منزله دلیلی عقلی بیان شده است. استدلال به این قاعده به شرح زیر است.

مقدمه اول: بدون شک امر و نهی در هدایت دیگران مؤثر است. انسان‌های فراوانی در پرتو امر و نهی به سمت اعمال خیر و دوری از اعمال شرّ هدایت شده‌اند. انسان موجود اجتماعی‌اثرپذیر است و امر و نهی می‌تواند زندگی آن‌ها را در حوزه طاعت و عصیان تغییر دهد.

مقدمه دوم: شارع به وجوب امر به معروف و نهی از منکر حکم کرده است. صدور این حکم موجب آسان‌شدن امثال اوامر و طاعت می‌گردد. در حکم شارع زمینه هدایت دیگران وجود دارد؛ این لطفی مقرب است. به بیانی ساده‌تر، سوق دادن مکلفان به انجام واجبات و ترک معاصی، توسط شارع، لطف است.





مقدمه کبروی؛ هرآنچه لطف از ناحیه خدا باشد، اعم از اعمال تکوینی و تشریحی، بر خدا واجب است. این وجوب، مفاد قاعده لطف است. بر اساس این دو مقدمه، وجوب امر به معروف و نهی از منکر توسط شارع لازم است؛ یعنی جعل حکم وجوب بر امر به معروف و نهی از منکر توسط شارع، لطف الهی و جعل چنین حکمی نیز بر او واجب است. (همان: ۸۵)

## ۲. ۱. ۳. قواعد عام فقهی

دومین دلیل عام بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر عمومی، قواعد عام فقهی است. مسئله این است که آیا در فقه، قواعد عامی وجود دارد که دلیلی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر عمومی باشد؟

به طور خلاصه از بررسی قواعد فقهی مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر چنین به دست می‌آید که:

۱. قاعده هدایت، بر وجوب امر و نهی در محدوده الزامی و بر استحباب آن در محدوده غیرالزامی دلالت دارد. این قاعده به جز مرتبه قلبی، شامل تمام مراتب امر و نهی است؛ البته اگر از مراتب امر و نهی محسوب شود.

۲. قاعده اعانه بر برّ، بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالتی ندارد و محدوده امر و نهی غیرالزامی را شامل می‌شود.

۳. از قاعده احسان نیز نمی‌توان وجوب مراتبی از امر به معروف و نهی از منکر را استفاده کرد، مگر از عدم راهنمایی، ضلالت و هلاکتی متوجه دیگری شود که در این موارد، به وجوب امر به معروف و نهی از منکر حکم می‌کند.

۴. قاعده «نصح المؤمن» بر استحباب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد، مگر عدم نصیحت مؤمن، موجب هلاکت و گمراهی او شود. در این صورت امر به معروف و نهی از منکر واجب می‌گردد.

۵. قاعده تسنین سنت حسنه بر استحباب دلالت دارد و تنها مواردی از امر به معروف و نهی از منکر را شامل می‌شود که منشأ پایه‌ریزی سنت حسنه است. از این رو مطلق موارد امر به معروف و نهی از منکر شامل این قاعده نمی‌گردد. بنابراین از مجموع پنج قاعده، «بالجمله» استحباب و فی الجمله وجوب امر به معروف و نهی از منکر قابل برداشت است. (همان: ۱۵۰ و ۱۵۱)

## ۲.۲. ادله خاص

### ۲.۲.۱. ادله قرآنی

در مورد امر به معروف و نهی از منکر آیات و روایات فراوان وارد شده است که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و این‌ها (که واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود. (آل عمران: ۱۰۴)

واژه «ولتکن» در آیه مبارکه، دلالت دارد بر وجوب وجود گروهی از امت که مردمان را به خیر بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

در اینجا کسی نگوید که آیه دلالت بر وجوب نمی‌کند چرا که «خیر» اعم است از واجب و غیر واجب، همان‌گونه که معروف نیز عام است و شامل مندوب (مستحب) هم می‌شود، پس چگونه ممکن است که امر به مندوب واجب باشد؟!

پاسخ این است که ظهور فعل که «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ...» باشد، مقدم بر ظهور متعلق آن است. بنابراین، «معروف» اختصاص به واجبات دارد، همان‌گونه که





«منکر» مختص محرمات است و دعوت به خیر، عبارت است از امر به معروف و نهی از منکر. چنین سخنی شاید ظاهر آیه باشد، چنانکه برخی از معاصران بر این سخن تصریح کرده‌اند.

۲. در آیه دیگر می‌فرماید: «کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله...»؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم ظاهر (وگزیده) شده اید. به خوبی‌ها فرمان می‌دهید و از بدی‌ها و زشتی‌ها، نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید. (آل عمران: ۱۱۰)

در آیه قبل این وجوب مربوط ویژه ای بود اما در این آیه به طور عام بیان می‌نماید و برپایی آن را جزو امتیازات امت بیان کرده است.

۳. در سوره توبه می‌فرماید: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله...»؛ مردان و زنان با ایمان، یار و یاور و اولیای یکدیگرند، به معروف (خوبی‌ها) فرمان می‌دهند و از منکرات و بدی‌ها (منکرات) نهی می‌کنند. (توبه: ۷۱)

ظاهر جمله، خبری بوده ولی مقصود انشا است نه خبر محض. بر اساس این آیه زن و مرد هر دو، در اصلاح جامعه تأثیر گذارند و مؤمنان نسبت به همدیگر حق دارند و این حق برخاسته از حق ولایت بر یکدیگر است.

## ۲.۲.۲. ادله روایی

ویژگی مباحث روایی آن است که به‌خلاف دلایل گذشته، نسبت به موضوع امر به معروف و نهی از منکر صراحت بیشتری دارند و شرایط و مراتب آن را به‌روشنی، تبیین می‌کنند.

۱. محمد بن یعقوب الکلبینی، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علی بن النعمان، عن عبدالله بن مسکان، عن داود بن فرقد، عن ابی سعید الزهری، عن ابی جعفر و



ابی عبدالله علیهما السلام قال: «ویل لقوم لا یدینون الله بالامر بالمعروف، و النهی عن المنکر». (عاملی، بی تا: ۱۶/۱۱۷)

۲. و عن علی بن ابراهیم، عن هارون بن مسلم، عن مسعده بن صدقه، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: کیف بکم اذا فسدت نساؤکم، و فسق شبابکم و لم تأمروا بالمعروف، و لم تنهوا عن المنکر؟ فقیل له: و یكون ذلك یا رسول الله؟ فقال: نعم و شر من ذلك، کیف بکم اذا أمرتم بالمنکر و نهیتم عن المعروف؟ فقیل له: یا رسول الله و یكون ذلك؟ قال: نعم و شر من ذلك، کیف بکم اذا رأیتم المعروف منکرا و المنکر معروفا؟ (همان: ۱۲۲)

از این روایت نبوی بدست می آید در صورت ترک امر به معروف و نهی از منکر جامعه به فسق کشیده شده، معروف به جای منکر، و منکر به جای معروف قرار می گیرد تا جایی که عده ای امر به منکر و نهی از معروف خواهند نمود.

۳. حضرت علیه السلام می فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقِرْنَ الْمَاضِي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِتَرْكِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَ الْحُكَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي .

خداوند مردم گذشته را لعن نکرد و از رحمت خود دور نساخت مگر به جهت آنکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. از این رو، خداوند سفیهان را به واسطه گناهانشان و دانایان را به واسطه ترک نهی از منکر لعن کرد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

### ۳. تبیین مراتب امر به معروف و نهی از منکر

بعد از اینکه وجوب امر به معروف و نهی از منکر اثبات شد تحقق آن مستلزم استفاده از وسایل است و استفاده از آن ها نیز تابع قاعده ای است که مصلحت را به حد اکثر و برساند و مفسده را به حداقل برساند، لذا علما قاعده «الایسر فالایسر» را ارائه داده اند (حب الله، ۱۳۹۵، ۳۵۷) و برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله قلبی، لسانی و عملی را



ذکر کرده‌اند. (قرائتی، ۱۳۹۱، ۴۳) و هر مرتبه نیز دارای درجاتی از آسانتر به آسان و از سخت به سخت تر است هم چنان که پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «من رأى منكراً فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلبه و ذلك أضعف الإيمان»؛ هر کس از شما ناشایسته‌ای ببیند (باید) به دست خویش مانع آن شود و اگر نتواند به زبان و اگر نتواند به دل مانع شود که حداقل ایمان همین است. (پاینده، ۱۳۸۲، ۷۶۸)

امام علی عليه السلام در حکمت اخلاقی، سیاسی، اجتماعی در مورد مراحل امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ، فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ؛ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ التَّارِكِ بِيَدِهِ، فَذَلِكَ مُتَمَسِّكٌ بِخِصَلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُضَيِّعٌ خِصْلَةً؛ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَ التَّارِكِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ، فَذَلِكَ الَّذِي صَنِعَ أَشْرَفَ الْخِصَلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدَةٍ؛ وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِانْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ، فَذَلِكَ مَيْتُ الْأَحْيَاءِ. وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَتَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّي؛ وَ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، لَا يَقْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ؛ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ.

گروهی، منکر را با دست و زبان و قلب انکار می‌کنند، آنان تمامی خصلت‌های نیکو را در خود گرد آورده‌اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی‌برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت‌های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده، و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت را که شریف‌تر است تباه ساخته‌اند و یک خصلت را به دست آورده‌اند و بعضی دیگر منکر را با زبان و قول و دست رها ساخته‌اند که چنین کسی از آنان، مرده‌ای میان زندگان است. و تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان

قطره‌ای بر دریای مَواج و پهناور است، و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کند و نه از مقدار روزی می‌کاهد و از همه این‌ها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است. (دشتی، ۱۳۹۵: ۵۱۵-۵۱۴)

عده‌ای از علما امر به معروف و نهی از منکر را مبتنی بر تولی و تبری دانسته‌اند، زیرا این فریضه بر انکار قلبی منکر-که همان تبری است- و محبت قلبی نسبت به معروف (تولی) بنا نهاده شده است.

#### ۴. مراتب امر به معروف و نهی از منکر

##### ۴.۱. مرحله قلبی (رفتاری)

درست است که اسم این مرحله قلبی است، اما تا به مرحله ظهور نرسیده است امر و نهی حساب نمی‌گردد، لذا منظور از مرتبه قلبی این است که انسان نسبت به کارهای زشت یا ناپسند، از نظر حالت درونی و احساس قلبی، بی‌تفاوت نباشد. مثلاً از کارهای خوبی همچون عبادت، ایثار، عدل، تقوا، توبه، نوع دوستی، تواضع، جهاد و... رضایت و خوشحالی خود را ابراز نماید و این اعمال و صفات و دارندگان آن‌ها را دوست بدارد و در مقابل، از اموری مانند دروغ، تقلب، نیرنگ، مردم‌آزاری، بی‌نمازی، بی‌حجابی، بی‌تفاوتی، حسد، بخل، بی‌ادبی و... تنفر خود را ابراز کند و دارندگان این‌ها را هم دوست نداشته باشد. این نشانه سلامت قلب است. اگر شخص، قلباً از منکر انزجار داشته باشد، نسبت به گنهکار، اخم می‌کند و یا با او حرف نمی‌زند و یا به صورت موقت ارتباطش را با او قطع می‌کند که نشانگر کراهت او از انجام گناه و یا ترک واجب است. (توضیح المسائل مراجع:



در این مورد روایتی در فقه الرضا آمده است که می‌گوید: «همین عیب برای مؤمن کافی است که اگر منکری را ببیند در قلب خود احساس کراهت نسبت به آن نکند». (حب الله، ۱۳۹۶: ۵۷۸)

امر و نهی قلبی (رضایت یا تنفر) درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و سبک‌ترین راه می‌توان امر و نهی کرد و به مقصود دست یافت، نباید متوسل به درجه‌ی بالاتر شد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند. از جمله برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. با تبسم و لبخند و روی گشاده برخورد کردن؛
۲. چشم فرو بستن؛
۳. خیره شدن؛
۴. به روی دست زدن؛
۵. دندان به لب گرفتن؛
۶. با دست یا سر اشاره کردن؛
۷. سلام نکردن؛
۸. روگرداندن؛
۹. پشت گرداندن؛
۱۰. صحبت را قطع کردن؛
۱۱. قهر و ترک معاشرت کردن.

#### ۲.۴. مرحله لسانی

مرحله دوم و بالاتر مرتبه زبانی می‌باشد و به معنای آن است که با زبان و گفتار، طرفدار خوبی‌ها و خوبان باشیم و به بدی‌ها، گناهکاران، تخلف‌ها و منکرات، اعتراض کنیم. تذکر لسانی با توجه به اوضاع گاهی با ملایمت و آرامی، همراه با موعظه و ارشاد و استدلال است،

و گاهی حالت دستوری و فرمان دادن به خود می‌گیرد، و گاهی نیز شدت می‌یابد و با تهدید همراه می‌شود.

گفتن و نهی زبانی، هرچند بدون برخورد عملی، معارضه و درگیری تکرار شود، طرف را به ستوه می‌آورد یا شرمنده می‌سازد. وقتی همه به خلافکار، تذکر زبانی دهند، او عرصه را بر خود تنگ می‌بیند و جوّ عمومی جامعه را برای ارتکاب فساد و گناه، مناسب نمی‌یابد. البته به شرط آنکه گویندگان و تذکر دهندگان، از روی خیرخواهی و دلسوزی و منانت و با مهربانی تذکر دهند و نهی کنند. دلیل آنکه در روایات، این همه بر امر به معروف زبانی تأکید شده، نشان دهنده تأثیر آن است. گاهی زبان، برنده‌تر و نافذتر از شمشیر و اقدام عملی است، به شرط اینکه تذکر دهنده، هنرمندانه و به موقع و سنجیده تذکر دهد تا خلافکار، در موضع لجاجت و عناد قرار نگیرد. عفت کلام و سخن گفتن با وقار و احترام، مؤثرتر از تندخویی و پرخاشگری و توهین است.

در این مرتبه اگر همه، احساس مسئولیت کنند و روح جمعی جامعه، با تذکرهاى شان عرصه را بر خلافکاران تنگ کنند، قطعاً در جلوگیری از فساد و گناه، اثر خوبی خواهد داشت. این مرتبه از نهی از منکر، نه خرجی دارد، نه مشکلات قضایی؛ فقط گفتن و رد شدن است. همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند:

گفتن گناه، به گناهکار با زبان خوش و با لحن مناسب و در جایی هم با زبان تند- در مواردی که مفسده‌ای به وجود نیاید- گناه را در جامعه کم خواهد کرد. تجربه کنید، منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم نیست زبان گزنده باشد، یک کلمه بگویید: آقا! خانم! این منکر است. نفر دوم بگوید، نفر سوم بگوید و...، دیگر چه کسی می‌تواند منکر را ادامه دهد. (سخنرانی مقام معظم رهبری،

(۱۳۷۱/۷/۲۹)



#### ۴.۳. مرحله عملی (یدی)

منظور از مرتبه عملی، به کار گرفتن توانایی، اعمال قدرت و اقدام رفتاری برای سوق دادن و اудар ساختن مخاطب به انجام معروف یا ترک منکر است. تعبیر «ید» در روایات، کنایه از «اقدامات عملی و اعمال قدرت» برای اقامه معروف و ریشه کن کردن منکر است که مقصود از آن، حرکت هدفدار، مشروع و قانونی است که برای تحقق معروف و نابودی منکر لازم به شمار می‌رود.

پیامبر ﷺ در حدیثی به ابوذر می‌فرماید: ای اباذر مثل کسی که بی‌عمل دعوت می‌کند، همچون کسی است که با کمان بی‌زه تیراندازی کند. در حدیث دیگر امام صادق ع می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ إِلَى الْخَيْرِ بَعْدَ السُّنَّتِ كُمْ، لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْجَهَادَ وَالصِّدْقَ وَالْوَرَعَ»؛ مردم را از راهی غیر از زبان‌هایتان به خوبی دعوت کنید، به گونه‌ای که تلاش و راستگویی و پرهیزکاری را (در عمل) ببینند. (پاکیزه و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۶۵)

در این مرتبه، از قدرت و اجبار و اقدامات بازدارنده استفاده می‌شود. در اینجا نیز درجاتی وجود دارد؛ مثلاً گاهی دست گناهکار را باید گرفت و مانع انجام گناه شد، گاهی باید او را از مجلس گناه اخراج کرد و یا به سرزمین دیگری تبعید نمود، گاهی باید او را در زندان یا خانه‌اش حبس کرد، و در مواردی که ضرورت داشته باشد او را کتک زد یا مجروح ساخت و حتی به قتل رساند. که البته این‌ها توسط حاکم و کسی که در موضع قدرت قرار دارد انجام می‌شود. اما سؤالی که ایجاد می‌شود این است که در روایات فوق قید نشده که این مرتبه توسط حاکم و قانون اجرا می‌شود پس چگونه این را نتیجه گرفتید؟

شیخ ابوجعفر طوسی معروف به شیخ الطائفه در کتاب «النهايه» که از متون معتبر فقهی است در مورد استنباط از این نوع احادیث می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر، هم به وسیله دست می‌شود و هم به وسیله زبان. اما به وسیله دست معنایش این است که خودش شخصاً عامل به کار خیر باشد و عملاً از منکر اجتناب کند تا مردم خود به خود به او تأسی جویند.

با توجه به آنچه بیان شد در زمان استقرار حکومت اسلامی، مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به دو بخش کلی دسته‌بندی کرد که توسط دولت اسلامی انجام می‌شود و بخشی که توسط آحاد مردم قابل انجام است. (همان: ۳۶۶)

انکار در مرحله قلبی نیز باید به شکلی نمود پیدا کند؛ یعنی اگر از کار زشت یا انسان مجرمی بدمان می‌آید، این ناخوشایندی و عدم رضایت را با نگاه، قیافه یا طرز رفتار نشان دهیم تا خلفاکاران متوجه شوند و در آن‌ها تأثیر بگذارد. کمترین مرحله امر به معروف و نهی از منکر، همان مرتبه قلبی است. اگر کار ناپسندی انجام گیرد، و ما در دلمان راضی باشیم، ما نیز در همان گناه شریکیم. خداوند، در قیامت کسانی که برخی از گناهان را مرتکب نشده‌اند، ولی چون دیگران انجام داده‌اند و آن‌ها هم راضی به کار آنان بوده‌اند، عذاب می‌کند.

امام علی فرمود: «الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّخِيلِ فِيهِ مَعَهُمْ»؛ هرکس به کار جمعی راضی باشد، همچون آنان است. (ری شهری و شیخی، ۱۳۹۵: ۶/۲۶۹)

این مسئله، در کارهای نیک هم مطرح است. اگر انسان نیکان را دوست بدارد و به کارهای شایسته دیگران راضی باشد، پاداش می‌گیرد. اگر کسی نتواند با عمل و اقدام، جلوی مفاسد را بگیرد، باید با زبان، اعتراض و نهی کند. اگر زمینه نهی از منکر زبانی هم فراهم نبود، حداقل در دل از کارهای ناشایست دیگران، ناراحت و ناخشنود باشد. در حدیث دیگر این سه مرحله را بیان نموده و در پایان می‌فرمایند: «مَنْ تَرَكَ انْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيْتٌ بَيْنَ الْاَحْيَاءِ»؛ کسی که منکر و فساد را با هیچ یک از قلب و دست و زبان، انکار نکند، او مرده‌ای میان زندگان است. (همان: ۲۷۶)



لذا اگر کسی درباره رواج خوبی‌ها و جلوگیری از مفاسد، حساسیتی نشان ندهد «حس دینی» او از کار افتاده است، لذا باید در دینداری خود بازنگری کند. البته صاحب کتاب «معراج السعاده» هفت مرتبه را برای این امر ذکر نموده است:

۱. مرتبه اول انکار قلبی است طوری که در دل، منکر فاعل معصیت باشی و از این جهت او را دشمن داشته باشی و این مرتبه، مشروط به دو شرط است؛ یکی اینکه عالم باشد به اینکه عمل فاعل معصیت است و دیگر اینکه مرتکب منکر نادم و پشیمان نباشد.

۲. مرتبه دوم امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد، هدایت و شناساندن اینکه کار او منکر است، چون بسیاری از مردم از راه جهل و نادانی مرتکب بعضی معاصی می‌شود.

۳. اظهار تنفر و اکراه از آن شخص عاصی و دوری از او و ترک دوستی و مجالست با وی.

۴. به زبان، منع کردن و انکار نمودن او، ابتدا به پند و نصیحت، و اگر مفید واقع نشد به تهدید و ترسانیدن، و اگر آن هم اثر نکرد به درشتی و سخنان زبر به او گفتن به این نوع که: ای جاهل، ای فاسق، ای نادان و امثال این‌ها.

۵. به بازداشتن او از معصیت به قهر و تسلط، مثل شکستن آلات لهو و لعب و ریختن شراب، و گرفتن مال مغضوب و به صاحب آن دادن و امثال این‌ها.

۶. با زدن به دست و پا بدون اینکه منجر به قتل و جراحت شود.

۷. به شمشیر کشیدن و سلاح داشتن و مجروح کردن و کشتن. و این مرتبه در نزد اکثر علمای ما متوقف به اذن امام است و از برای رعیت بدون اذن امام جایز نمی‌دانند، اما سید مرتضی و جماعتی، برای کسی که متمکن باشد و موجب فساد نباشد تجویز کرده‌اند، اگر چه اذن امام در آن خصوص نباشد. (نراقی، ۱۳۹۴: ۴۹۷-۴۹۶)

اما جایی که حکومت اسلامی بر پا باشد، آنجا که جلوگیری از گناهان و فسادها جز با مرحله عملی و اقدام و برخورد ممکن نباشد، باید با همکاری و هماهنگی نظام حاکم،



نیروهای انتظامی، مقامات مسئول و مراکز مربوطه انجام گیرد تا به هرج و مرج اجتماعی کشیده نشود و همچنین اگر جلوگیری از فساد و گناه، جز با دخل و تصرف در اموال دیگران یا وارد کردن برخی ضررها انجام نشود، اینجا هم اجازه از مراکز مسئول الزامی است.

مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: «در زمان بسط ید حکومت اسلامی بر مکلفین واجب است که به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به استفاده از زور، مسئله را به مسئولین ویژه این امور در قوای انتظامی و قضایی ارجاع دهند». (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۳۳۸، س ۱۰۹۰)

در جایی دیگر مقام معظم رهبری (دام ظلّه) می‌فرماید که امر به معروف، یک مرحله گفتن و یک مرحله عمل، یعنی اقدام با دست و زور. این مرحله، امروز به عهده حکومت است و باید با اجازه حکومت انجام شود و لا غیر؛ اما گفتن با زبان بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند. (خادمی و محمود خانی، ۱۳۹۴: ۴۸)

۵. رعایت تربیت مراتب در امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به آنچه در مورد مراتب امر به معروف و نهی از منکر گفته شد این سؤال پیش می‌آید که آیا رعایت تربیت در این مراتب واجب است؟ و باید از مرحله پایین شروع نماییم؟ در پاسخ باید گفت که در امر به معروف و نهی از منکر باید به حداقل اکتفا کرد؛ همان طور که پیامبر ﷺ در روزهای اول دعوت خود فرمود: «قولوا لا اله الاّ تفلحوا»، اما قوانینی مانند روزه، زکات، و جهاد بعد از گذشت پانزده سال از بعثت نازل شد. در دعوت به هر امری به واجبات آن اکتفا کنیم مستحبات را به تدریج آموزش بدهیم. (قرائتی، ۱۳۹۱: ۱۴۰)

پس در اجرای این مراتب سه‌گانه، اصل اولی ضروری است مراتب حفظ شود و در صورتی که تأثیر مراتب پایین‌تر وجود دارد، نباید به سراغ مرتبه بالاتر برویم. همچنان در صورتی که احتمال تأثیر و رفع منکر داده می‌شود، واجب است به انزجار قلبی اکتفا شود. (پاکیزه و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۶۱)



از بررسی نظریات و فتاوی اکثر فقها و مجتهدین این برداشت می‌شود که باید ترتیب، رعایت شود. در ذیل چند نمونه از فتاوا را ذکر می‌نماییم:

مسئله ۳۸۰: از آنجا که مرتبه اول و دوم امر به معروف و نهی از منکر، در یک درجه و سطح قرار دارند، فردی که امر به معروف می‌کند یا نهی از منکر می‌نماید باید ابتدا، موردی از مرتبه اول یا دوم را اجرا کند که اذیت آن کمتر و تأثیر آن بیشتر است و گاهی لازم است هر دو مرتبه را انجام دهد و تا مرتبه اول یا دوم مؤثر می‌باشد، نوبت به مرتبه سوم نمی‌رسد.

مسئله ۳۸۱: هر یک از مراتب سه‌گانه امر به معروف و نهی از منکر، دارای درجات مختلف از نظر شدت و ضعف می‌باشد و لازم است در هر یک از مراتب سه‌گانه، ترتیب بین درجات آن مرتبه مراعات گردد و فرد باید ابتدا در هر مرتبه، درجه‌ای را انتخاب کند که اذیت و توهین آن کمتر و تأثیر آن بیشتر است و اگر نتیجه نگرفت، به درجات سخت‌تر و شدیدتر اقدام نماید. بنابراین، چنانچه می‌توان به گونه‌ای امر به معروف و نهی از منکر نمود که موجب اذیت یا بی‌احترامی به فرد نگردد و مؤثر هم واقع شود، نباید از درجه‌ای استفاده نمود که موجب اذیت یا بی‌احترامی به فرد می‌شود. (آیت الله سیستانی، ۱۴۴۳: ۱۷۴/۲)

مسئله ۶: اگر بعضی از مراتب گفتار از جهت اذیت و اهانت کمتر از آنچه که در مرتبه اول ذکر شد باشد واجب است به آن اکتفا نماید و مقدم بر آن می‌باشد، پس اگر وعظ و ارشاد با زبان نرم و روی باز، فرضاً مؤثر باشد یا احتمال تأثیر داشته باشد و اذیتش از کناره‌گیری و اعراض از او و مانند این‌ها کمتر باشد، تعدی از آن به این‌ها جایز نیست و افراد آمر و مأمور جداً مختلف می‌باشند، پس چه‌بسا شخصی که اهانت و اذیت اعراض و کناره‌گیری او سنگین‌تر و شدیدتر از قول و امر و نهی می‌باشد، بنابراین آمر و ناهی باید ملاحظه مراتب و افراد را بنمایند و کار را از آسان‌تر شروع نمایند تا به مرحله سخت‌تر از آن برسند.

مسئله ۷: اگر فرضاً بعضی از درجات مرتبه اول با بعضی از مراحل مرتبه دوم مساوی باشد، ترتیبی بین این دو مرتبه نیست، بلکه بین آن‌ها مخیر است؛ پس اگر فرض شود که

اعراض و امر در ایداء مساوی‌اند و بدانند یا احتمال دهد که هر دو مؤثرند، بین آن‌ها مخیر است و انتقال به مرحله شدیدتر جایز نیست. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱/۵۴۲)

هنگام امر و نهی، ترتیب مراحل فوق باید رعایت شود؛ یعنی تا زمانی که مرتبه اول مؤثر است، به کار بردن مراتب بعدی جایز نیست به عنوان مثال امر و نهی زبانی، مراتب دارد؛ در صورتی که در سخن نرم، احتمال اثر باشد، جایز نیست که امر و ناهی با سخن تند و خشن، امر به معروف و نهی از منکر کند. (آیت الله خامنه ای، ۱۴۰۰/۱۰/۲۱)

## ۶. تأثیر مراتب امر به معروف و نهی از منکر در تربیت

تربیت و پرورش همه جانبه انسان از نیازهای اساسی وی است و انسان در پرتو تربیت صحیح به کمال مطلوب خویش می‌رسد. از سوی دیگر، شریعت و بُعد عملی آن یعنی فقه جایگاه مهم ای در زندگی انسان دارد و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، زندگی او را احاطه کرده است. این دو عرصه با پیشرفت زندگی بشر و تحولات فرهنگی و اجتماعی، رسالتی نوین پیدا کرده است. چون از یک طرف بنیاد زندگی انسان تربیت است که زمینه‌ساز موفقیت انسان در سایر ابعاد می‌باشد و از سوی دیگر، فقه محدود به زندگی فردی نیست، بلکه برای زندگی اجتماعی او هم برنامه دارد و باید پاسخگوی نیازهای شرعی انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی باشد. آنچه بررسی زمینه‌های ارتباط و تعامل این دو عرصه مهم در زندگی فرد مسلمان در یک جامعه اسلامی است.

بین اصول تربیتی و احکام فقهی تناسب و تعامل وجود دارد. در ذیل به اصول تربیتی اشاره می‌شود که با توجه به آن برای امر به و معروف و نهی از منکر مراتبی در نظر گرفته شده است.

### ۶.۱. اصل تدریج

این اصل ناظر به خصیصه‌هایی از انسان است که آن را « ظهور تدریجی شاکله و مراحل رشد» نامیده می‌شود. هدف در تربیت این است که شاکله‌های مطلوب در درون فرد پدیدار



و پایدار شود. از سوی تربیت و رشد انسان محتاج گذشت زمان و حرکت تدریجی است چون رشد و تحول روحی انسان و نیل به کمالات والای انسانی و اخلاقی چیزی نیست که یک شبه به دست آید. قاعداً تدریج و تأتی، یک سنت الهی است همان طور که درختی به یکباره تنومند نمی‌شود نمی‌توان انتظار داشت که تربیت فرد یا جامعه یکباره محقق نمی‌شود. (قاسمی، ۱۳۸۹، ۲۹۳) بارزترین مثال آن تدریجی بودن رسالت پیامبر اکرم ﷺ است. بر اساس این اصل در امر به معروف و نهی از منکر نیز باید به تدریج جلو رفت، در غیر این صورت متربی جبهه خواهد گرفت و هدف مربی که رشد و هدایت متربی است محقق نخواهد شد.

## ۲.۶. اصل تسهیل و تیسیر

تسهیل و تیسیر به معنای آسان کردن و سهل گردانیدن است و مراد آن است که در هر حرکت تربیتی راه‌های آسان به روی متربی گشوده شود تا میل و رغبت در انجام کار یا ترک آن در وی ایجاد شود. (همان: ۲۸۳) مربی حکیم، بر اساس حکمت تربیت می‌کند و چنین تربیتی بر مدارا و ملایمت است. نظام تربیتی زمانی سامان می‌یابد و می‌تواند افراد را به خیر رهنمون سازد که اصل تسهیل و ملایمت در رأس قرار گیرد و از سخت‌گیری و خشونت‌گرایی پرهیز شود، چنان که قرآن می‌فرماید:

- «یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر». (بقره: ۱۸۵)

- «ثم السیل یره». (عبس: ۲۰)

با توجه به اینکه مرتبه اول امر به معروف و نهی از منکر آسان‌ترین مرحله در بین مراحل سه‌گانه است لذا شارع با در نظر داشت این اصل حکم نموده است که آمر به معروف و ناهی از منکر از مرتبه قلبی شروع نماید.

### ۳.۶. اصل مثبت نگری

یکی دیگر از اصول مهم تربیتی که می‌توان از فقه و احکام فقهی به دست آورد، اصل مثبت‌نگری است. مثبت‌نگری به این معناست که متربی و مکلف به محیط پیرامون خود با نگاه مثبت بنگرد و به ویژه در روابط اجتماعی، رفتارها و اقدامات دیگران را در صورتی که منفی بودن آن‌ها برایش قطعی نشده، آن‌ها را حمل بر صحت نماید، لذا بر اساس این اصل آمر به معروف و ناهی از منکر تا زمانی که موضوع برای او ثابت نشده است نباید اقدام نماید.

### ۴.۶. اصل اعتدال

شاید بتوان جامع‌ترین، گسترده‌ترین و معتدل‌ترین نوع تربیت را تربیت دینی دانست؛ چون دین مدعی تربیت در همه قلمروهای انسانی است. همان طور که قرآن کریم می‌فرماید: «واقصد فی مشیک». (لقمان: ۱۹)

تربیت دینی بیانگر رعایت اعتدال و توازن در تربیت انسان و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط در آن می‌باشد. اولویت‌دهی به یک بخش وجود انسان و عدم رعایت نیازهای دیگر بخش‌ها، نه تنها تربیت را به سرانجام نمی‌رساند، بلکه در دراز مدت واکنش منفی متربی و حتی رها کردن و چرخش کامل او را در بر خواهد داشت. و سلامت فرد و جامعه در گرو تربیت متعادل است. حکما هم برای نجات و رستگاری و رساندن او به سعادت، راه اعتدال را توصیه می‌کنند. (همان: ۲۶۱)

در بحث امر به معروف و نهی از منکر هم تا زمانی که انجام یا ترک عمل با مرتبه پایین میسر است، نباید با استفاده از مرحله بالاتر افراط نمود و گرنه اثر مطلوب را نخواهد داشت و چه بسا اثر عکس آن را بگذارد و فرد دچار لجاجت شده و بیشتر به انجام آن عمل یا ترک آن مبادرت نماید.





## ۶.۵. اصل کرامت و شرافت انسان

گرامی داشتن متربی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصول تربیت است، چون از سوی اساس تربیت کرامت و عزت مندی است و از طرف دیگر این اصل مبتنی بر فطرت انسان است. هدف اصلی همه پیام‌آوران الهی و محور تعلیم و تربیت دین الهی کرامت نفس است؛ یعنی همه انبیا آمده‌اند تا نفوس انسان‌ها را به کرامت برسانند؛ همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «و لقد کرمنا بنی آدم»؛ خداوند تاج کرامت را به سر انسان گذاشته است. (همان: ۲۵۱)

بر اساس این اصل در اجرای نمودن امر به معروف و نهی از منکر آنچه باعث از بین رفتن کرامت و شرافت انسانی می‌شود خودداری نمود و با حفظ کرامت او تذکر داد.

## ۶.۶. اصل زهد

یکی از ارکان تربیت دینی، زهد یا پشت نمودن به تعلقات دنیوی و دلبستگی‌های نفسانی است. (همان: ۳۰۵) به این معنی انسان که در رسیدن خود به رشد و کمال و گرفتن دست دیگران باید نیت خالص داشته باشد و برای خداوند انجام دهد و از کسی دیگر توقع نداشته باشد در بحث مانحن فیه هم امر به معروف و ناهی از منکر باید بدون توقع و چشم‌داشتی اقدام به انجام این واجب نماید تا تأثیرگذار باشد.

## ۶.۷. اصل تذکر

یکی از ویژگی‌های انسان‌ها آشنایی و بیگانگی با خداوند است. طبق این ویژگی، برخوردار از شئون مختلف، به طور طبیعی او را در معرض فراموشی (نسیان) قرار می‌دهد. اصل «تذکر» مبتنی بر این ویژگی است، طوری که تنها وظیفه پیامبر ﷺ تذکر گفته شده است؛ «انما انت مذکر» (غاشیه: ۲۱)

بر اساس این اصل گاه آنچه را فرد به آن علم دارد، برای او باز گفت و همواره نباید معطوف به حرف تازه باشد. پاره‌ای از دشواری‌های انسان، زاده نادانی، پاره‌ای دیگر زاده علم رنگ پریده و بی‌خاصیت شده و پاره‌ای دیگر نیز زاده نسیان است. آنچه مایه هبوط آدم شد، نادانی او نبود، زیرا او همه علم را داشت؛ «و علم آدم الاسماء کلها» (بقره: ۳۱) و آنچه نداشت ذکر بود (باقری، ۱۳۹۴: ۲۱۳)، لذا از سه دسته دشواری‌های مزبور، تنها دسته اول را علم چاره می‌کند؛ اما راه حل دو دسته اخیر تذکر است. تذکر، علمی را که در سر مدفون شده اند، در دل مبعوث می‌کند. از این رو به کار بردن ذکر از جمله اصول تربیتی اسلامی تلقی می‌شود. همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «و ذُکِّرْ به ان تبسل نفس بما کسبت»؛ و آنان را به قرآن تذکر بده، مبادا که کسی به سبب کردار ناپسند خویش در معرض هلاکت قرار گیرد. (انعام: ۷۰)

و اما روش تربیتی که برای این اصل در نظر گرفته شده است موعظه حسنه است. (همان: ۲۱۴)

## ۸. رعایت توانایی و محدودیت متربی

بحث دیگری که جا دارد در مسئله امر به معروف و نهی از منکر بیان نمود اصل تأثیر است یعنی باید دید خلافاً از چه طریقی از کردار خود دست بر می‌دارد و کدام مرتبه یا روش تأثیر بیشتر دارد؛ به عنوان مثال:

- اگر با اشاره اثر دارد، اشاره واجب می‌شود.
- اگر فریاد اثر دارد، فریاد واجب است.
- اگر تهدید اثر دارد، تهدید واجب است.
- اگر تذکرهاى مکرر اثر دارد، تکرار واجب است.
- اگر ناله و تقاضای دسته جمعی اثر دارد، این قبیل کارها واجب است.





- اگر تذکر ما اثر ندارد، اما از شخص دیگر دارد باید او را ودار نماییم که تذکر بدهد.
  - اگر تذکر در زمان خاص اثر دارد باید در همان زمان تذکر داد.
  - اگر تذکر در مکان خاص اثر دارد باید در همان جا تذکر داد.
  - اگر این روش کارآمد نیست از روش دیگر استفاده نماید.
- دراین مورد حضرت امام خمینی علیه السلام می فرماید:

در اجرای صحیح و مطلوب امر به معروف و نهی از منکر همواره بر آن تأکید داشتند این بود که در تمامی مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر، به تشخیص و درک موقعیت، انتخاب روش مناسب و چگونگی اجرای وظیفه توجه و توصیه می کردند. چون آنچه اسلام از ما خواسته احقاق حق و منع از منکر و سفارش به معروف هاست، ولی در شیوه و راه انجام آن تعبدی نیست.

نکته دیگری که در شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر بیان نموده اند احتمال تأثیر است یعنی اگر اثر نداشت واجب نیست در ضمن قبول این اصل کلی باید چند نکته را ذکر نمود:

۱. ممکن است فعلاً اثر نکند، اما به خاطر اهمیت مسئله باید تذکر داد و حتی تا مرز شهادت رفت همان گونه که امام حسین علیه السلام برای احیای امر به مغروف و نهی از منکر این کار را نمودند.

۲. ممکن است امر و نهی در افراد اثر نکند، اما با نهی نمودن از گناه، لذت گناه را از گناهکار گرفته می شود و نمی گذارد با خیال راحت گناه کند و عرصه را بر او تنگ می کند که خود این یک ارزش است.

۳. ممکن است سخن ما در شنونده اثر نکند، ولی پاداش اخروی ما همچنان ثابت است. چون انسان مخلص با خدا معامله می کند خواه شنونده گوش بدهد یا ندهد.



۴. عذر برای ما و اتمام حجت برای گناهکار؛ امر به معروف و نهی از منکر اتمام حجت بر گناهکار است تا نگوید کسی به من تذکر نداد و عذری است برای مؤمن تا به گفته نشود: «چرا فریاد نزدی».

۵. امر به معروف و نهی از منکر، گامی به سوی خودسازی است، چون یک نوع تلقین به خود فرد است یک نوع اعلام موجودیت و نشانه بیداری است.

۶. تمرین جرئت؛ امر و نهی کردن، حفظ روحیه جرئت است اگر بگوییم اثر ندارد و کاری نکنیم، کم‌کم جرئت گفتن و تذکر دادن از بین خواهد رفت و در اخیر اینکه باعث تسکین وجدان آمر می‌شود. کسی که تذکر می‌دهد، هرگز در وجدان، خود را محکوم به ترس و سکوت و سازش و بی‌تفاوتی نمی‌کند. (قرائتی، ۱۳۹۱: ۴۹-۴۶)

### نتیجه:

بعد از اینکه اهمیت و وجوب امر به معروف و نهی از منکر توسط ادله عام و خاص ثابت شد بحث در نحوه اجرا و مراتب آن می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب سه‌گانه است که بر آمر و ناهی واجب است نسبت به آن آگاهی داشته باشد تا بتواند هر مرحله را در موقعیت مناسب به کار گیرد تا هدف مطلوب حاصل شود. در اجرای مراتب آن هم باید از مرحله کمترین شروع نماید و در صورتی که با مرحله اول ممکن باشد نباید از مرحله بالاتر استفاده نماید و باید به اقل اکتفا نماید. از سوی بین گناه و اقامه این واجب ارتباط مستقیم وجود دارد و اجرای حکم امر به معروف و نهی از منکر باعث کاهش سطح گناه در جامعه می‌شود، لذا وظیفه نهادهای حکومت و تربیتی از جمله مساجد، مدارس، حوزه‌ها، و دانشگاه‌هاست که برای اقامه آن اقدام نمایند. همین طور در تربیت فردی و اجتماعی هم اصولی وجود دارد که متناسب و منطبق با احکام فقهی است و با دانستن آن، انسان فلسفه احکام را بهتر درک می‌نماید، چون



بین دانش فقه و تربیت تعامل وجود دارد و در پی هر حکم فقهی نکات تربیتی فراوان وجود دارد یعنی هر حکم شرعی مبتنی بر مصالح و دارای جنبه‌های تربیتی است و اصلاً احکام شرعی برای تربیت و تعالی انسان تشریح شده است.

## منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی)

۱. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۹)، فقه امر به معروف و نهی از منکر، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.

۲. ۱۰. حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۲)، رساله آموزشی، تهران: مؤسسه فرهنگی امین.

۳. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵)، ترجمه تحریر الوسيله، ترجمه موسوی و اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴. خادمی، حسن و حمید رضا محمودخانی (۱۳۹۳)، واجب فراموش شده (راهبردهای مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر)، تهران: خیزش نو.

۵. ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.

۶. سعیدیان، شیخ محسن (۱۳۸۸)، امر به معروف و نهی از منکر دو پاسدار دین، قم: منیر.

۷. عاملی، محمد بن الحسن (بی تا)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.

۸. عراقی، جلال و یدالله خیامپور (۱۳۹۱)، «نگاهی مقایسه‌ای به مراتب امر به معروف و نهی از منکر»، مجله فقه، ش ۷۴، ص ۲۱۹-۲۰۱.
۹. فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۱۴)، العین، قم: انتشارات اسوه.
۱۰. قاسمی، حمید رضا (۱۳۸۹)، اصول تربیتی در داستان‌های قرآن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۲۶)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: طلیعه النور.
۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۹۱)، امر به معروف و نهی از منکر، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۳. قرائتی، محسن (۱۳۹۶)، ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموع آثار، ج ۲۰، ج ۱۸، تهران: انتشارات صدرا.
۱۵. نراقی، احمد (۱۳۹۴)، معراج السعاده، ج ۳، قم: ناشر جمال.
۱۶. بناری، علی‌همت (۱۳۸۸)، نگرشی بر تعامل فقه و تربیت، ج ۲، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۷. اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷)، فقه تربیتی، ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۰)، یک دوره کامل فقه فارسی، تهران: مؤسسه و انتشارات فراهانی.
۱۹. انوری، حسن (۱۳۹۰)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، تهران: انتشارات سخن.
۲۰. باقری، خسرو (۱۳۹۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ج ۳۹، تهران: انتشارات مدرسه.
۲۱. پاکیزه، محمود، نعمت‌الله بخشیان و ابوالقاسم یوسفیان (۱۳۹۵)، راه نجات، امر به معروف و نهی از منکر، قم: زمزم هدایت.



۲۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۲۳. حب الله، حیدر (۱۳۹۶)، فقه امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه گروه مترجمان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۲۴. <https://www.leader.ir/fa/content/25464/www.leader.ir>